


Developing Process Model of Wisdom Based on Islamic Sources: Grounded Theory

Ali Bayat *

PhD student of psychology, Hawzah and University Research Institute, Qom, Iran

Hamid Rafii Honar 

Islamic Science and Culture Academy, Qom, Iran

Mohammad Reza Jahangirzadeh 

lecturer (Ph.D.) in psychology, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran

Abstract

Despite the extensive history of "wisdom" in philosophical and religious texts, its entry into psychology dates back to the last few decades. The purpose of this research was to design a wisdom process model with an emphasis on narrative and Qur'anic teachings from Islamic sources. The method of this research was a qualitative type of Grounded Theory, and in order to check content validity, the descriptive contextualization method was used. With the formation of the semantic domain, the concepts corresponding to wisdom were identified in Islamic sources and analyzed in four stages of open, focused, central and selective coding. The result of this stage was the achievement of 1276 open codes, 344 focused codes, 84 central codes, 19 categories and 10 main micro components. These components are: knowledge, distinction, mental processing, control (Mahar), strength in practice (Etghan dar amal), perspicacity, acumen, insight, comprehend and sagacity. Then, the hypothetical relationships between these components and the process of achieving wisdom were investigated. The findings showed that the hypothetical relationships between these ten components are classified into two levels of "core categories" and "active domains". Based on this, wisdom in the core has the basic elements of "cognition", "control", "diagnosis", "processing", and "strength in practice", which led to "perception of the best interest" in the intrapersonal domain and "insight", "perception of inner motivation and goals", "perception of

* Corresponding Author: abayat@rihu.ac.ir

How to Cite: Bayat, A., Rafii Honar, H., Jahangirzadeh, M. R. (2023). Developing Process Model of Wisdom Based on Islamic Sources: Grounded Theory, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 15(57), 137-171.

concepts and objects", and "acuity" in the extra personal domain. The results were the design of a process model of wisdom, which was evaluated by 6 experts in Islamic sciences and psychology, and analyzed and evaluated using "Content Validity Index (CVI)". The results of the wisdom process model are an introduction to the design of the scale and educational and therapeutic interventions of wisdom.

Keywords: Wisdom, Process Model, Islamic Psychology, Grounded Theory Method.



تدوین مدل فرآیندی خرد بر اساس منابع اسلامی: نظریه داده بنیاد

دانشجوی دکتری روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران

علی بیات * ID

استادیار گروه تربیت اخلاقی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم،
ایران

حمید رفیعی هنر ID

استادیار گروه روان‌شناسی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
ره، قم، ایران

محمد رضا جهانگیرزاده ID

چکیده

با وجود سابقه گسترده «خرد» در متون فلسفی و دینی، ورود آن به روان‌شناسی به چند دهه اخیر بازمی‌گردد. هدف از این پژوهش، طراحی مدل فرآیندی خرد و خردورزی با تأکید بر آموزه‌های روایی و قرآنی و بررسی میزان روایی آن بود. روش این تحقیق، کیفی از نوع داده بنیاد بود و به منظور بررسی محتوایی از روش توصیفی زمینه‌یابی استفاده شد. ابتدا با تشکیل حوزه معنایی، مفاهیم متناظر با خرد در منابع اسلامی شناسایی شد و در چهار مرحله کدگذاری باز، متمرکز، محوری و انتخابی تجزیه و تحلیل شدند. حاصل این مرحله دستیابی به ۱۲۷۶ کد بازاولیه، ۳۴۴ کد باز متمرکز، ۸۴ کد محوری، ۱۹ مقوله و ۱۰ مؤلفه اصلی خرد بود. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: علم، تمیز، پردازش ذهنی، مهار، اتقان در عمل، کیاست، فراست، بصیرت، فقاقت و تیزفهمی. سپس، روابط فرضی میان این مؤلفه‌ها و فرآیند دست‌یابی به خردورزی بررسی شد. یافته‌ها نشان داد، روابط فرضی میان این ده مؤلفه در دو سطح «مقوله‌های هسته‌ای» و «حوزه‌های کنش‌وری» طبقه‌بندی می‌شوند. بر این اساس، خرد در هسته دارای عناصر اساسی «شناخت»، «مهار»، «تشخیص»، «پردازش» و «عمل متقن» است که در حوزه درون‌فردی به «ادراک بهترین منفعت» و در حوزه برون‌فردی به «بینش»، «ادراک انگیزه و اهداف درونی»، «ادراک مفاهیم و اشیاء» و «تیزفهمی» منجر شد. نتایج حاصل، طراحی مدل فرآیندی خردورزی بود که توسط ۶ کارشناس علوم اسلامی و روان‌شناسی مورد ارزیابی

۱۴۰ | فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی | سال پانزدهم | شماره ۵۷ | بهار ۱۴۰۳

قرار گرفته و با استفاده از «شاخص روایی محتوایی (CVI)» تحلیل و مطلوب ارزیابی شد. نتایج حاصل از مدل فرآیندی خرد، مقدمه‌ای برای طراحی مقیاس و مداخلات آموزشی و درمانی خرد است.

کلیدواژه‌ها: خرد، مدل فرآیندی، روان‌شناسی اسلامی، نظریه داده بنیاد.

مقدمه

استرنبرگ^۱ در مقدمه «راهنمای کمبریج خرد»^۲ که در سال ۲۰۱۹ توسط وی و گلاک^۳ تدوین و تنظیم شد، معتقد است امروزه با وجود افزایش ضریب هوشی (IQ) و خلاقیت^۴، نه تنها نتوانسته‌ایم دنیای بهتری را خلق کنیم، بلکه با سوءاستفاده از این دو ابزار با رفتارهایی از جمله خشونت، فقر گسترده، تغییر اقلیم، آلودگی، مرگ ناشی از سوء مصرف مواد، ترور و احساس درماندگی مواجه هستیم. به اعتقاد وی، انسان‌ها در حال دویدن در مسابقه‌ای هستند که برندگان آن نه تنها تأثیر مثبت و معناداری در آینده ایجاد نخواهند کرد، بلکه به سمت نابودی می‌روند. در این بین، آنچه می‌تواند آدمی را به مسیر مسابقه درست بازگرداند، «خرد»^۵ و خردورزی است (استرنبرگ، ۲۰۱۹: ص ۳) مطالعه خرد و فرآیند رسیدن به خردورزی احتمالاً می‌تواند به این سؤال که چرا جهان در این وضعیت قرار گرفته؟ و چگونه می‌توان از این وضعیت خارج شد؟ پاسخ دهد.

بر این اساس، تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند خرد با سلامت جسمی و روانی بهتر (بنجن^۶، میکس^۷ و جست^۸، ۲۰۱۳؛ توماس^۹ و همکاران، ۲۰۱۷) بهزیستی (تیلر^{۱۰}، بیتس^{۱۱} و وبستر^{۱۲}، ۲۰۰۷؛ زاکر^{۱۳} و استاودینگر^{۱۴}، ۲۰۱۸؛ ذبیحی حصار و همکاران، ۱۳۹۶)، شادکامی (توماس و همکاران، ۲۰۱۷)، رضایت زندگی (آردلت^{۱۵}، ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ الف؛

-
1. Sternberg, R. J.
 2. The Cambridge Handbook of Wisdom
 3. Glück, J.
 4. Creativity
 5. Wisdom
 6. Bangen, K.J.
 7. Meeks, T.W.
 8. Jeste, D.V.
 9. Thomas, M. L.
 10. Taylor, M.
 11. Bates, G.
 12. Webster, J. D.
 13. Zacher, H.
 14. Staudinger, U. M.
 15. Ardel, M.

رانی^۱ و بنو^۲، ۲۰۱۸؛ مالکی و همکاران، ۱۳۹۵) و تاب‌آوری (لیبری^۳ و لیندن^۴، ۲۰۱۱؛ گیل‌مور^۵، ۲۰۱۴) مرتبط است. همچنین، خرد‌درمانی^۶، برای بیماران مبتلا به اختلالات سازگاری یا اختلال استرس پس از سانحه (لیندن و همکاران، ۲۰۱۱)، مقابله با تنیدگی‌ها و مشکلات اساسی زندگی (لیبری و لیندن، ۲۰۱۱)، کاهش اختلالات رفتاری (پدرام‌نیا و یوسفی، ۱۳۹۷)، کاهش فرسودگی شغلی و افزایش موفقیت فردی (کردنوقابی و آسوده، ۲۰۲۱)، تنظیم رشد موفقیت‌آمیز زندگی (بالتز^۷، گلاک و کانزمن^۸، ۲۰۰۲؛ یانگ^۹، ۲۰۱۴)، زوج‌درمانی (اسکرت^{۱۰}، ۲۰۱۶) و کاهش مصرف مواد (پری^{۱۱} و همکاران، ۲۰۰۲؛ دیگانجی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۳) به کار رفته است. علاوه بر درمان، خرد به حوزه آموزش وارد شده و اثربخشی آن بر یادگیری و خودمدیریتی (دانش‌پایه و همکاران، ۱۴۰۱)، سرمایه روانشناختی و سلامت معنوی (شوقی، رباط‌میلی و نصراللهی، ۱۴۰۱)، آموزش و بهزیستی فروشندگان (اوو و اوو^{۱۳}، ۲۰۲۰)، استرس شغلی (کردنوقابی و آسوده، ۱۴۰۱) تأیید شده است. علاوه بر این، برخی از تحقیقات صرفاً به آموزش خرد پرداخته است (گروسمن و همکاران، ۲۰۲۱)

تلاش برای دستیابی به خرد به اندازه نوع بشر قدمت دارد (جست و واهیا^{۱۴}، ۲۰۰۸: ص ۱۹۷). به اعتقاد استاودینگر و گلاک (۲۰۱۱: ص ۲۱۶) قدمت خرد را می‌توان به زمان نگارش این مفهوم و پس از آن به نمونه‌های نخستین خرد که قدمت آن به سه قرن قبل از

-
1. Rani, G. S.
 2. Banu, N.
 3. Lieberei, B.
 4. Linden M.
 5. Gilmore, A.
 6. Wisdom Therapy
 7. Baltés, P. B.
 8. Kunzmann, U.
 9. Yang, S. Y.
 10. Skerrett, K.
 11. Perry, C. L.
 12. DiGangi, J. A.
 13. Oh, H., & Oh, J. H.
 14. Jeste, D.V. & Vahia, I. V.

میلااد باز می‌گردد (به‌عنوان مثال، بین‌النهرین و مصر)، مستند کرد. اگرچه بحث درباره خرد دارای سابقه‌ای گسترده در میان فیلسوفان، متکلمان و شاعران است، اما ورود آن به دنیای روان‌شناسی نسبتاً با تأخیر و به سه دهه اخیر باز می‌گردد (بیرن^۱ و سونسون^۲، ۲۰۰۵: ص ۱۲؛ بنجن، میکس و جست، ۲۰۱۳: ص ۱۲۵۵). با شروع دهه ۱۹۷۰، تحقیقات تجربی اولیه در مورد خرد توسط بالتز و اسمیت^۳ (۱۹۹۰) در آلمان و توسط کلیتون و بیرن^۴ (۱۹۸۰) در ایالات متحده آغاز شد. به اعتقاد استاودینگر و گلاک از دهه ۱۹۷۰، مطالعات روان‌شناختی خرد در پنج حوزه: ۱. ادراک مردم از خرد، ۲. مفهوم‌سازی و سنجش خرد، ۳. رشد و تحول خرد، ۴. شکل‌پذیری خرد و ۵. به‌کارگیری دانش روان‌شناختی خرد در بافت‌های زندگی، شروع شد (استاودینگر و گلاک، ۲۰۱۱: ص ۱۶۷). از زمان آغاز مطالعات روان‌شناختی خرد، تحقیق پیرامون اینکه خرد چیست؟ و چگونه شکل می‌گیرد، از مهم‌ترین مسائل این حوزه بوده است. اگرچه تاکنون روان‌شناسان در مورد مؤلفه‌های خرد و چگونگی ارتباط میان آن‌ها برای رسیدن به این مفهوم، به توافق نرسیده‌اند، اما بیشتر تعاریف پیشنهادی از خرد را می‌توان تقریباً به چهار گروه (یانگ، ۲۰۰۸: ص ۶۲). طبقه‌بندی کرد:

در گروه اول، خرد به‌عنوان پیامد تحول انسان (آرلین^۵، ۱۹۹۰؛ اریکسون و همکاران، ۱۹۸۶؛ کرامر^۶، ۱۹۹۰) یا به‌عنوان مرحله پایانی از تحول روان‌شناختی، یا ظرفیت‌هایی که پس از بالاترین سطح از ساختار شناختی ظاهر می‌شود، تعریف شده است. به‌طور کلی رویکرد تحولی شامل دو دسته نظریه است: ۱. نظریه‌های مبتنی بر نظام تحول خود (برای نمونه اریکسون^۷، ۱۹۶۴)؛ و ۲. رویکرد نوظهوری‌ها که خرد را به‌عنوان نوعی تفکر دیالکتیکی تعریف می‌کند (از جمله کرامر، ۱۹۹۰؛ گراسمن^۸ و همکاران، ۲۰۱۰).

1. Birren, J. E.
2. Svensson, C. M.
3. Baltes, P. B., & Smith, J.
4. Clayton, V.P. & Birren, J. E.
5. Arlin, P. K.
6. Kramer, D. A.
7. Erikson, E. H.
8. Grossmann, I.

گروه دوم، خرد را به‌عنوان نظامی تجمع‌یافته از دانش پیرامون معنی و مدیریت زندگی می‌داند (بالتز و کانزمن، ۲۰۰۳؛ بالتز و اسمیت، ۲۰۰۸؛ بالتز و استاودینگر، ۱۹۹۳؛ کانزمن و بالتز، ۲۰۰۳؛ استاودینگر، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹). همچنین، پترسون و سلیگمن (۲۰۰۴) خرد را به‌عنوان دانشی تعریف می‌کنند که دستیابی به آن نیازمند تلاش است. موج اول از تعاریف خرد (تا سال ۱۹۹۰) نیز بیشتر بر جنبه شناختی آن تأکید کرده‌اند.

گروه سوم، در اعتراض به اینکه گروه اول و دوم صرفاً بر جنبه شناختی خرد تأکید کرده‌اند، خرد را به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی که از چندین شایستگی ترکیب یافته است، تعریف کردند. برای نمونه، آردلت (۲۰۰۰)، الگوی پنج بعدی وبستر (۲۰۰۳) و الگوی شش عاملی خرد براون (۲۰۰۲) و استرنبرگ (۱۹۸۵) در این طبقه واقع می‌شوند. برای نمونه، آردلت (۲۰۰۰) بعد عاطفی را اضافه و معتقد است خردمند علاوه بر تخصص در امور زندگی، از حس شفقت و همدردی نسبت به همکاران نیز برخوردار است. استرنبرگ (۱۹۸۵) معتقد است، خرد علاوه بر بعد شناختی، دارای هدف است؛ از نظر وی، دانشی که بتواند با تعادل میان علائق به خیر و مصالح عمومی منتهی شود، خردمندانه است؛ به عبارت دیگر، استرنبرگ در نظریه خود چگونگی استفاده از دانش را مهم می‌داند، درحالی که بالتز به دانش مرتبط با خرد^۱ و آردلت به فرد حامل این دانش اهمیت می‌دهند (اسعدی، ۱۳۹۱: ص ۸۲). در میان این گروه، وبستر (۲۰۰۳) نگاه کل‌گرایانه به خرد دارد. به معنای اینکه فرد یا رفتار در صورتی خردمندانه است که بتواند ۵ معیار تجارب مهم زندگی، تنظیم هیجانی، مرور و بازنگری خاطرات، گشودگی و شوخ‌طبعی را برآورده کند (وبستر، ۲۰۰۳، ص ۱۵؛ همان، ۲۰۰۷، ص ۱۶۶).

گروه چهارم، خرد را به‌عنوان فرآیندی در زندگی واقعی تعریف می‌کند که پس از فراهم شدن زمینه‌ها و شرایطی، کامل می‌شود (یانگ، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸؛ براون، ۲۰۰۲؛ استرنبرگ، ۲۰۰۱). این گروه معتقدند سایر نظریه‌پردازان خرد بیشتر بر ابعاد درون‌فردی یا شناختی خرد تأکید کرده‌اند و چه بسا از تجسم خرد و اثرات ناشی از آن که برای ادراک و

بروز خرد ضروری است، غفلت کرده‌اند. اگرچه هسته اصلی خرد در یک فرد وجود داشته باشد، اما فرآیند کامل خرد مستلزم عمل تجسم یافته و اثرات ناشی از آن است که توسط چندین گروه ارزیابی می‌شود. طبق نظر یانگ (۲۰۰۸: ص ۶۵) خرد نوع خاصی از فرآیند در زندگی واقعی است و در صورتی حاصل می‌شود که فرد از نظر شناختی به یکپارچگی فرامعمولی^۱ دست یابد، ایده‌های خود را از طریق عمل مجسم کند و پس از آن اثرات مثبتی هم برای خود و هم برای همکاران موجب شود. از نظر یانگ، خرد یک پدیده انتزاعی و صرفاً در اندیشه و گفتار نیست، بلکه فرد زمانی خردمند است که بتواند خرد را در تصمیمات، رفتار با همکاران، خانواده و هر آنچه به زندگی مربوط می‌شود، نشان دهد (یانگ، ۲۰۰۱: ص ۶۶۳؛ یانگ، ۲۰۰۸: ص ۶۵). از نظر یانگ خرد یک ویژگی شخصیتی و یا نوعی از دانش نیست، بلکه یک فرآیند است که در متن زندگی رخ می‌دهد و وجود هر سه مؤلفه یکپارچگی، تجسم و آثار مثبت برای خود و دیگران، لازم است تا خردورزی حاصل شود. براون (۲۰۰۲) نیز خرد را متشکل از شش مفهوم کلیدی تحت عنوان خودآگاهی، درک عمیق از همکاران، قضاوت، دانش زندگی، مهارت‌های زندگی و تمایل به یادگیری تعریف کرده است که دستیابی به خرد، حاصل ارتباط میان این مؤلفه‌ها است (براون، ۲۰۰۲: ص ۳۰). بر اساس نظریه براون (۲۰۰۲) مؤلفه هسته‌ای رشد خرد، یادگیری از زندگی^۲ است. هنگامی که دانشجویان از فرآیند هسته‌ای «یادگیری از زندگی» که متشکل از بازبینی^۳، یکپارچگی و به کارگیری است، عبور کنند، خرد رشد می‌یابد. شرایطی که رشد خرد را از طریق تحریک مستقیم یا غیرمستقیم فرآیند یادگیری از زندگی، تسهیل می‌کند شامل (۱) تمایل به یادگیری؛ (۲) تجربه؛ (۳) تعامل با همکاران؛ و (۴) محیط است (براون و گرین^۴، ۲۰۰۶: ص ۶). علاوه بر یانگ و براون، می‌توان نظریه بالتز و همکاران (برای نمونه، بالتز و اسمیت، ۱۹۹۰) تحت عنوان «پارادایم خرد برلین»^۵، نظریه

-
1. Unusual
 2. Learning-from-Life
 3. Reflection
 4. Greene, J. A.
 5. The Berlin Wisdom Paradigm

تبادل استرنبرگ (۲۰۰۱، ص ۲۳۰)، دیدگاه سیگزنت میهای و راتوند (۱۹۹۰؛ نقل از بیرن و فیشر، ۱۹۹۰: صص ۳۲۶-۳۲۵)، آرلین (۱۹۹۰، همان) و بیتس^۱ (۱۹۹۳؛ نقل از بیرن و سیونسون، ۲۰۰۵: ص ۱۸) را در آن دسته از نظریه‌های قرار داد که به چگونگی رابطه میان مؤلفه‌های خرد و فرآیند دست‌یابی به این مفهوم پرداخته‌اند. علاوه بر این، جانگ^۲ و همکاران (۲۰۲۳) از دو زاویه متفاوت به تعریف خرد پرداخته‌اند؛ الف) خرد به عنوان رفتار، بازیگری با انگیزه است که با حل خلاقانه و موفقیت‌آمیز مسائل به یک نتیجه نوع دوستانه منجر شده و ب) خرد به عنوان یک ویژگی روان‌شناختی، کیفیتی است که توانایی فکری، دانش‌پیشین و تجربه را به گونه‌ای به کار می‌گیرد که فضیلت و شوخ‌طبعی را ترکیب کرده و از طریق تجربه زندگی و تمرین مداوم به دست می‌آید.

بر این اساس، با نگاهی به تاریخ مطالعه خرد می‌توان پی برد در عین حالی که خرد سازه‌ای بسیار پیچیده و محتوایی غنی و چندبعدی دارد و مفهوم‌سازی‌های متعدد و متنوعی از خرد و ماهیت آن به عمل آمده، اما در بعد مفهوم‌سازی و چگونگی ارتباط مؤلفه‌های خرد برای رسیدن به خردورزی تحقیقات قابل توجهی صورت نگرفته است. در این راستا، در متون روان‌شناختی فارسی بیرانوند و نوقابی (۱۳۹۴: ص ۵) به بررسی مفهوم خرد بر اساس برخی از منابع دینی؛ چراغی و همکاران (۱۳۹۴) به مفهوم‌سازی خرد بر اساس نظریه‌های ضمنی و رسمی آن از دیدگاه نظریه پردازان غربی؛ ملک‌محمدی و همکاران (۱۳۹۴، ۱۳۹۶)، اسعدی (۱۳۹۴)، کردنوقابی، بیرانوند و عرب‌لو (۱۳۹۴)، کردنوقابی و بیرانوند (۱۳۹۵) به بررسی دیدگاه مردم عادی درباره خرد، دستا و همکاران (۱۳۹۹) به شناسایی مؤلفه‌ها و ابعاد خرد با استفاده از رویکرد درک افراد از خرد پرداختند. خلیج و همکاران (۱۴۰۱) نیز با تأکید بر تفسیر المیزان به ارائه الگوی خردورزی مدیران آموزش عالی پرداخته، اما صرفاً به مؤلفه‌هایی از جمله تهذیب نفس، ولایت‌پذیری، شناخت خدا، تقوا، امیدواری و تفکر دست یافته است بدون اینکه به چگونگی ترکیب و استفاده از آن‌ها تا رسیدن به خردورزی اشاره کند. علاوه بر این، در دو دهه گذشته در تحقیقات علوم

1. Bates, A.C.

2. Zhang, K.

انسانی مشاهده می‌شود مطالعات متعددی درباره ماهیت و ویژگی‌های «عقل» در آموزه‌های اسلامی با نگاه فلسفی (برنجکار، ۱۳۷۴)، کلامی (بداشتی، ۱۳۸۳)، حدیثی (مهدی زاده، ۱۳۸۲؛ پسندیده، ۱۳۸۸)، سیاسی (ابوطالبی، ۱۳۸۶) و روان‌شناختی (شجاعی، ۱۳۸۸؛ میردریگوندی، ۱۳۹۵؛ جهانگیرزاده، ۱۳۹۶؛ رفیعی هنر، ۱۳۹۷) انجام گرفته است، به درحالی که با توجه به اینکه مفهوم خرد واژه‌ای فارسی و در متون عربی بکار نرفته است، به نظر می‌رسد منابع اسلامی بر مفهوم خرد در قالب واژه‌هایی همچون عقل، حکمت، بصیرت، معرفت، علم، درک، فهم، فکر، فقه، تدبر، درایه، کیاست و ذکاوت، مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، تاجایی که محقق جستجو کرده است تحقیقات گذشته به مفهوم‌سازی خرد بر اساس منابع اسلامی نپرداخته‌اند، بلکه تنها متمرکز بر مفهوم عقل بوده (بیرانوند و نوقابی، ۱۳۹۴)، یا تنها به بررسی برخی از مفاهیم مترادف عقل (شجاعی، ۱۳۸۸؛ میردریگوندی، ۱۳۹۵؛ جهانگیرزاده، ۱۳۹۶؛ رفیعی هنر، ۱۳۹۷) پرداخته‌اند و از سوی دیگر، به مدل فرآیندی و نحوه دستیابی به خرد اشاره نشده است. مدل فرآیندی چگونگی ارتباط یافتن مؤلفه‌های ساختاری و مقوله‌های اصلی تا رسیدن به مفهوم مورد نظر را گویند که در نظریه داده بنیاد از آن به «خانواده فرآیند» یاد شده است (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۲۹۶). این مدل شامل مراحل، گام‌ها، توالی و دوره‌هایی است که منجر به خردورزی شده و در عین حالی که از مهم‌ترین بخش تحقیقات داده بنیاد است، از آن غفلت می‌شود. از این رو، نخستین مسئله پژوهش حاضر این است که اولاً مؤلفه‌های مفهومی خرد در متون دینی چیست؟ و ثانیاً، روابط فرضی میان این مؤلفه‌ها و فرآیند دستیابی به خردورزی چگونه است؟

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف، «بنیادی» و به لحاظ رویکرد، کیفی از نوع داده بنیاد^۱ است. از روش توصیفی زمینه‌یابی^۲ نیز به منظور بررسی روایی محتوایی مدل فرآیندی استفاده شد.

-
1. Grounded Theory
 2. Survey

این پژوهش، دارای دو جامعه متنی و یک جامعه آماری است. متون کتب لغت انگلیسی، عربی و فارسی؛ و کتاب‌ها و مقالات تخصصی روان‌شناسی انگلیسی‌زبان که به تعریف و نظریه‌های ضمنی و صریح خرد پرداخته بودند، جامعه متنی این پژوهش را تشکیل داده‌اند. جامعه متنی پژوهش در استخراج مؤلفه‌های مفهومی خرد، کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در آیات و روایات است که بر اساس طبقه‌بندی طباطبایی (۱۳۹۰: صص ۲۶۵-۲۸۶) در منابع روایی سطوح «الف»، «ب» و «ج» قرار دارند. جامعه آماری پژوهش در بررسی روایی محتوایی را کارشناسان خبره در حیطه فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی با تحصیلات عالیه، تشکیل می‌دهد. نمونه‌گیری در این پژوهش، غیر تصادفی^۱ و از نوع هدفمند^۲ است. در مجموع تعداد ۲۱۴۹ مستند قرآنی و روایی انتخاب شد. در مرحله «بررسی روایی محتوایی» نیز بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و مطابق با نظر لین^۳ (۱۹۸۶: به نقل از عباسی، ۱۳۹۷: ص ۱۳۳) تعداد ۱۱ متخصص علوم انسانی و روان‌شناسی انتخاب شدند.

ابتدا با استفاده از روش «معناشناسی زبانی»^۴ مفاهیم متناظر با خرد در منابع اسلامی شناسایی شد که نتایج این مرحله به کشف ۱۹ مفهوم دینی شامل عقل، علم، معرفت، حکمت، فطانت، ذكاء، فهم، شعور، ادراک، فکر، فقه، رویه، خبره، کیاست، فراست، درایت، تدبر، تمیز و بصیرت شد (بیات، رفیعی‌هنر و جهانگیرزاده، ۱۴۰۱ الف). در مرحله بعد، نتایج حاصل از جستجوی جملات توصیفی-تبیینی مرتبط با مفاهیم نوزده‌گانه بر اساس دو ملاک ضعف کتاب و ارتباط مفهومی با این پژوهش غربال شد که از این میان ۱۲ مفهوم با ۱۱۱۰ مستند برای تجزیه و تحلیل وارد مرحله بعد شد. سپس، مستندات بر اساس نظریه کیفی داده‌بنیاد در چهار مرحله کدگذاری بازاولیه، کدگذاری باز متمرکز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، تحلیل شدند (محمدپور، ۱۳۹۸: صص ۲۹۳-۲۹۰). در کدگذاری باز بر اساس واحد تحلیل که در این پژوهش «مضمون» است، به هر

1. Nonrandom
2. Purposive sampling
3. Lynn, M. R.
4. Language semantic

واحد کدی الصاق می‌شود. مقایسه کدهای اولیه با یکدیگر و شناسایی کدهای متداخل و مشابه منجر به شکل‌گیری مقوله می‌شود که در این تحقیق با کدگذاری متمرکز از آن یاد شد. مقوله مفاهیم سطح بالاتری از انتزاع هستند که از مجموعه‌ای مفاهیم سطح پایین، بر اساس ویژگی‌های مشترک آن‌ها ساخته می‌شود. فرآیند ربطدهی مقوله‌ها به زیر مقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد را، کدگذاری محوری گویند که در این پژوهش در سه بعد شرایطی، زمینه‌ای و پیامدی خلاصه گردید. در مرحله پایانی، محقق با تعداد اندکی از مقوله‌های انتزاعی به تدوین نظریه پرداخته و نیازی به کدبندی داده‌های جدید ندارد (همان، صص ۳۰۰-۲۹۰)

همان‌طور که پژوهش بیات و همکاران (۱۴۰۱ ب) نشان می‌دهد نتایج حاصل از این مرحله شناسایی ۱۰ مؤلفه مفهومی خرد بود که تحت عنوان «مدل مفهومی خرد» نام گرفت. پس از شناسایی مؤلفه‌های ساختاری یا همان مدل مفهومی خرد، بررسی شد که آیا مؤلفه‌های خرد اسلامی به صورت سیستمی با یکدیگر نیز ارتباط دارند یا خیر. در مقابل مؤلفه‌های «ساختاری» که به «چیستی» مفهوم مربوط می‌شود و متشکل از عناصری است که ساختار آن را به وجود می‌آورند، مؤلفه‌های فرآیندی^۱ به «چگونگی» مفهوم مربوط شده و مکانیزم‌های روان‌شناختی هستند که اجزای یک مفهوم را پیوند می‌زنند (مکلین^۲ و سید^۳، ۲۰۱۴: ص ۵۶۹).

در پایان، برای بررسی روایی محتوایی داده‌های مربوط به نظر کارشناسان مطابق آنچه شولتز و همکاران (۲۰۱۴؛ به نقل از رفیعی‌هنر، ۱۳۹۷: ص ۱۴۲) بیان کرده‌اند، از ضریب شاخص روایی محتوا^۴ (CVI) استفاده شد. در شاخص روایی محتوا، کارشناسان به‌طور مستقل به ارزیابی مطابقت یافته‌ها با محتوای مورد نظر می‌پردازند. در پژوهش حاضر، از کارشناسان خواسته شد مطابقت هر یافته با مستندات دینی را از ۱. «غیر مرتبط»، ۲. «نسبتاً

-
1. Process
 2. Mclean, K. C.
 3. Syed, M.
 4. Content Validity Index (CVI)

مرتبط»، ۳. «مرتبط» تا ۴. «کاملاً مرتبط» مشخص کنند. جهت محاسبه شاخص روایی محتوا، تعداد کارشناسانی که نمره ۳ و ۴ داده‌اند بر تعداد کل کارشناسان تقسیم می‌شود. حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI یک مفهوم یا مؤلفه کمتر از ۰/۷۹ باشد، آن گویه باید حذف شود (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۲: ص ۲۹). روند مراحل اجرای پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.

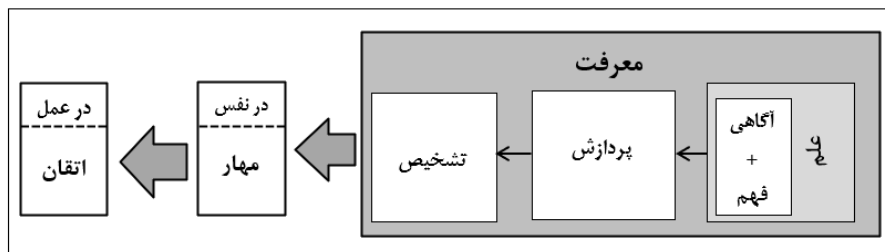
شکل ۱: نمودار روند مراحل پژوهش



یافته‌ها

ابتدا با نسبت سنجی میان مقوله‌های هسته‌ای مفاهیم مشیر به خرد و حذف و ادغام برخی از مقوله‌های هسته‌ای، مؤلفه‌های مفهومی خرد حاصل شد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: «شناخت»، «مهار»، «عمل متقن»، «تشخیص»، «پردازش»، «بینش»، «ادراک بهترین منفعت»، «ادراک انگیزه و اهداف درونی»، «ادراک مفاهیم و اشیاء» و «تیزفهمی» است (بیات، ۱۳۹۹، ص ۱۶۱؛ بیات و همکاران، ۱۴۰۱ ب). پس از تأیید مؤلفه‌های مفهومی خرد توسط کارشناسان با ضریب روایی محتوای برابر با ۰/۹۳ (بیات، ۱۳۹۹، ص ۱۷۶)، محقق برای نشان دادن چگونگی ارتباط میان این مؤلفه‌ها و ترسیم مکانیزم روان‌شناختی ارتباط میان اجزاء خرد، مؤلفه‌های این مفهوم را در دو بخش «مقوله‌های هسته‌ای خرد» و «حوزه‌های کنش‌وری خرد» تقسیم کرد. در قدم اول، با مقایسه پنج مؤلفه به دست آمده و عرضه مجدد آن‌ها به مستندات، «مدل فرآیندی کلی خرد» طراحی شد که در شکل ۱ نشان داده شده است.

شکل ۱: مدل فرآیندی کلی خرد اسلامی

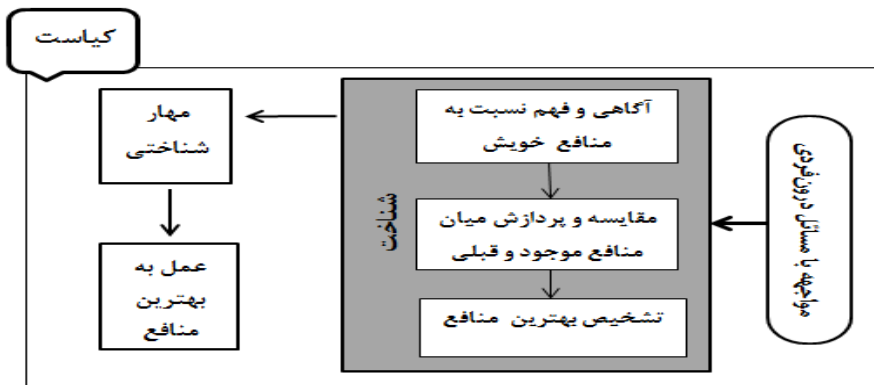


همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، هسته اصلی خرد شناخت است که متشکل از سه مقوله هسته‌ای علم (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۸)، پردازش ذهنی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: صص ۲۰-۲۳) و تشخیص (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۴۶۸) است. این فرآیند به این صورت عمل می‌کند که آدمی در زندگی بالضروره یک موجود اجتماعی بوده و با یکسری مسائل، رویدادها، افراد و اشیاء درونی و بیرونی مواجه می‌شود. آنچه از نتایج تبیین

مؤلفه‌های خرد نمایان می‌شود عملکرد شناختی-رفتاری افراد خردمندان این گونه است که به هنگام مواجهه با یک امر؛ خواه درونی باشد یا بیرونی، ابتدا نسبت به آن آگاه شده و با تجزیه و تحلیل آن را ادراک و فهم می‌کند؛ در گام بعد اطلاعات جدید با آنچه در دنیای ذهنی یا زندگی بیرونی فرد موجود است، پیوند برقرار کرده و در نتیجه پردازش و مقایسه صورت می‌گیرد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۱۵۵)؛ در نهایت ترکیب اطلاعات جدید و قبلی همراه با استفاده از سایر منابع اطلاعاتی (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۵۷) به علاوه ارزیابی و تأمل درباره گزینه‌های موجود با توجه به پیامدهای هر کدام، به تشخیص (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ص ۲۹، ح ۳۵؛ دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۹۸) خواهد رسید. تشخیص، به معنای روشن شدن یک موقعیت درونی یا بیرونی با وجود پیچیدگی و ابهام در آن و یافتن مسیر صحیح است (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ص ۵۵۰). مجموع این فرآیند را «معرفت» نام نهادیم. از این رو، معرفت عبارت است از شناختی که از طریق پردازش ذهنی میان معلومات حاصل شده است و پیامد آن توانایی تشخیص است. در این هنگام، معرفت حاصل شده در مقام نفس به مهار شناختی و در مقام عمل به رفتار متقن منجر می‌شود. به این صورت که ابتدا فرد در این هنگام ادراک و شناخت‌های غیر نافع و ناهمسو با اهداف متعالی و پایدار را کنار گذاشته (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۱۵) و از سوی دیگر، در کمترین زمان، به بهترین و هسته‌ای‌ترین شناخت ممکن دست می‌یابد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷). پس از آن در آخرین مرحله، رفتار و اعمال خویش را مطابق با شناخت حاصل شده (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۱۴۱)، نیکوخواهی و نیکوکاری (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: صص ۲۰-۲۳، ح ۱۴) تنظیم می‌کند.

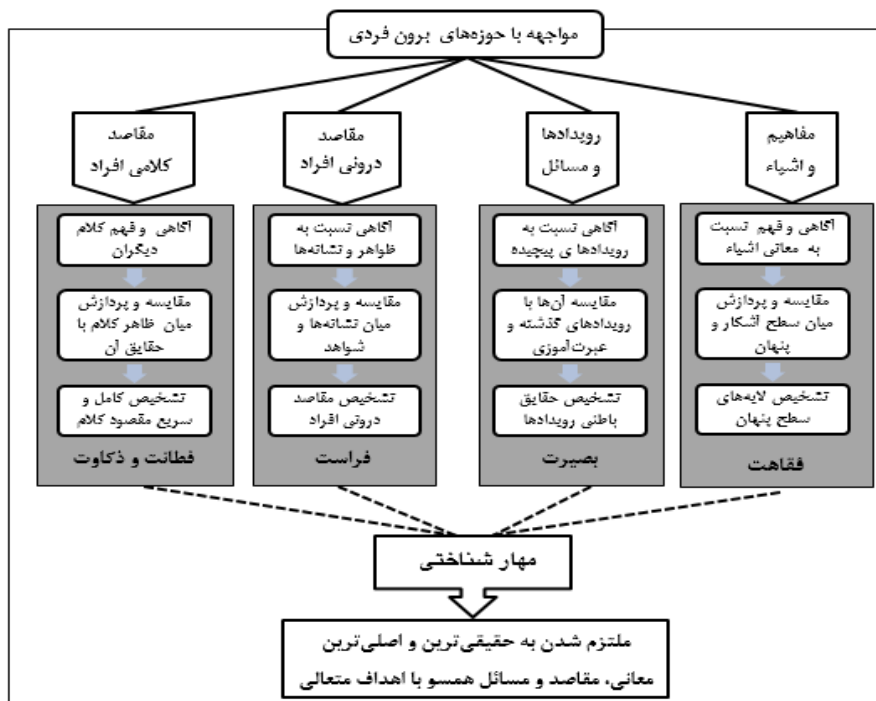
در گام بعد، مطابق با مفهوم‌شناسی اولیه، حوزه‌های کنش‌وری نیز به دو بخش درون‌فردی و برون‌فردی تقسیم شد. این فرآیند به صورت کلی در هر یک از حوزه‌های ارتباطی اجرا می‌گردد. مدل فرایندی کلی خرد، در حوزه درون‌فردی در شکل شماره ۲ نشان داده شده است که منجر به کیاست می‌شود.

شکل ۲: مدل فرآیندی خرد در حوزه درون فردی



علاوه بر این، مدل فرایندی کلی خرد، در حوزه برون فردی در شکل شماره ۳ نشان داده شده است که شامل منجر به بصیرت، فقاہت، فراست و فطانت می گردد.

شکل ۳: مدل فرآیندی خرد در حوزه های کنشوری برون فردی



همان‌طور که در مدل فرآیندی خرد در دو حوزه کنش‌وری درون‌فردی و برون‌فردی مشاهده می‌شود، فرآیند دستیابی به خردورزی از طریق پنج مؤلفه دانش، پردازش، تشخیص، مهار و اتقان است که تبیین آن در بحث و نتیجه‌گیری می‌آید. سرانجام، طی تهیه فرم «بررسی میزان مطابقت دو سطح کلان خرد با مؤلفه‌ها و میزان مطابقت مکانیسم خردورزی در دو حوزه دروفردی و بیرون‌فردی با مؤلفه‌های ساختاری» از ۶ کارشناسان خبره علوم انسانی و روان‌شناسی درخواست شد نظرات خود را بیان فرمایند. نتایج حاصل از میزان شاخص روایی محتوا (CVI) در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: شاخص روایی محتوایی فرآیند خردورزی

| میزان مطابقت دو سطح کلان خرد با مؤلفه‌های ده‌گانه | | | | | | سطوح |
|-----------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------|--------------|-----------------------|--------------|---------------------|-------------------|
| CVI | تعداد کارشناسان مخالف | | تعداد کارشناسان موافق | | مؤلفه‌ها | |
| | غیر مرتبط | نسبتاً مرتبط | مرتبط | کاملاً مرتبط | | |
| ۱ | - | - | ۱ | ۵ | دانش | مقوله‌های هسته‌ای |
| ۰/۸۳ | - | ۱ | ۱ | ۴ | پردازش | |
| ۱ | - | - | - | ۶ | تشخیص | |
| ۱ | - | - | - | ۶ | مهار | |
| ۰/۸۳ | - | ۱ | - | ۵ | اتقان | |
| ۰/۸۳ | - | ۱ | ۲ | ۳ | کیاست | حوزه‌های کنش‌وری |
| ۱ | - | - | ۱ | ۵ | بصیرت | |
| ۱ | - | - | ۱ | ۵ | فقاقت | |
| ۱ | - | - | - | ۶ | فراست | |
| ۰/۸۳ | ۱ | - | ۱ | ۴ | فطانت و ذکاوت | |
| میزان مطابقت مکانیسم خردورزی (جریان مؤلفه‌های هسته‌ای) در دو حوزه درون‌فردی و برون‌فردی | | | | | | |
| ۱ | - | - | - | ۶ | مسائل بیرونی | درون‌فردی |
| ۰/۸۳ | - | ۱ | ۱ | ۴ | مفاهیم و اشیاء | برون‌فردی |
| ۱ | - | - | ۲ | ۴ | رویدادها و مسائل | |
| ۱ | - | - | ۱ | ۵ | مقاصد درونی همکاران | |
| ۰/۸۳ | ۱ | - | ۲ | ۳ | مقاصد کلامی همکاران | |

همان‌طور که از این جدول نمایان است روایی محتوایی سطوح دو گانه مدل شامل هسته و حوزه‌های کنش‌وری از یک سو و میزان مطابقت جریان هر یک از پنج مؤلفه هسته‌ای در هر یک از حوزه‌های کنش‌وری خرد از وضعیت مطلوبی برخوردارند. به طوری که شاخص CVI هر یک از مؤلفه‌ها ۰/۸۳ و بالاتر بوده و میانگین کل شاخص روایی محتوا برابر با ۰/۹۴ می‌باشد که بالاتر از مقدار CVI بحرانی یعنی ۰/۷۹ است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد، مدل فرآیندی خرد دارای دو عنصر اساسی شناخت (برقی، ۱۳۷۱ ج ۱: ص ۱۹۶) و پس‌از آن مهار در دو مقام نفس و عمل (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ص ۲۴۱، ح ۳۳۱) است، اما نکته قابل توجه این است که خرد در خلأ اتفاق نمی‌افتد، بلکه در مواجهه با مسائل درون‌فردی و برون‌فردی، به‌ویژه در سختی‌ها و پستی و بلندی‌های زندگی است که می‌توان واکنش افراد خردمند از غیر آنان را متمایز کرد. همان‌طور که وبستر (۲۰۰۷: صص ۱۶۶-۱۶۴) در مدل ۵ بعدی خویش بیان می‌کند، انتقال موفق از گذارهای مهم زندگی، حل موفقیت‌آمیز مشکلات درونی و بیرونی و انطباق و سازگاری با محیط، بوته‌های رشد خرد هستند.

بر اساس دیدگاه فرآیندی خرد اسلامی، افراد خردمندان در مواجهه با دنیای درون و برون واکنش‌های شناختی-هیجانی-رفتاری متفاوتی از همکاران نشان می‌دهند. به این صورت که ابتدا نسبت به آن موقعیت به دانش دست‌یافته، سپس به مقایسه و پردازش اطلاعات و درنهایت به تشخیص می‌رسند. در این هنگام که فرد به شناخت دست‌یافته است، این شناخت ابتدا در مقام نفس به بازاری و جهت‌دهی شناخت فرد به سمت امور متعالی و پایدار منجر شده و پس‌از آن در مقام عمل مطابق با متقن‌ترین شناخت، دست به عمل می‌زند؛ بنابراین، سیستم عملکرد خردورزی اسلامی در دو حوزه مسائل درون‌فردی و برون‌فردی ایفای نقش می‌کند. در «پارادیم خرد برلین» نیز دانش، به دو مؤلفه دانش غنی در امور واقعی؛ شامل موضوعاتی از جمله ماهیت انسان، تحول در طول زندگی، تغییرات در فرآیندها و پیامدهای تحولی، ارتباطات بین‌فردی و هنجارهای اجتماعی؛ و دانش غنی

رویه‌ای؛ شامل دانستن اینکه چه زمانی و چگونه باید از دانش خویش برای تأمل و بازنگری تصمیمات مربوط به زندگی گذشته، راهنمایی برای معضلات فعلی زندگی و طراحی یک برنامه برای آینده استفاده کنیم، تقسیم می‌شود (استاودینگر، ۲۰۰۸، ص ۱۱۳؛ بالتز و اسمیت، ۲۰۰۸، ص ۵۸). از دیدگاه استرنبرگ (۲۰۱۹، ص ۱۶۴) نیز خرد کاربرد دانش ضمنی (هوش و تجربه) در سایه ارزش‌ها برای دستیابی به خیر عمومی است.

در سیستم درون‌فردی، انسان خردمند پس از مواجه‌شدن با مسائل و رویدادهای درونی، ابتدا تلاش می‌کند نسبت به آن آگاهی یافته و آن را ادراک کند؛ لذا پس از آگاهی نسبت به منافع خویش، منافع دیگر را نیز در نظر گرفته و به پردازش و مقایسه منافع موجود می‌پردازد و در نهایت بهترین منفعت خویش را تشخیص می‌دهد. در صورتی که ادراک حاصل شده با اهداف متعالی، پایدار و نیکی‌ها، همسو باشد آن شناخت را پیگیری کرده و در عمل، خویش را به بهترین منافع وامی‌دارد؛ اما در صورتی که ادراک حاصل شده نسبت به منافع با اهداف متعالی و پایدار تطبیق نکند، نفس خویش را از آن بازداشته (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ص ۸۱) و به سمت انتخاب بهترین منافع مطابق با اهداف متعالی وامی‌دارد (طوسی، ۱۴۱۴: ص ۵۳۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۵۵۷) بنابراین، انسان کیس در حوزه درون‌فردی دنیا را دشمن دانسته، به آن امید نداشته و امیال خویش را از امور فانی به سمت سرای پایدار برمی‌گرداند (آمدی، ۱۳۶۶: ص ۳۲۲). از این‌رو، خردمندان در مواجهه با چالش‌ها و مشکلات خویش بهترین مصلحت و منفعت خویش را در راستای امور پایدار و متعالی درک می‌کنند. اعتقاد بر این است که افراد خردمند سخت‌درگیر تفکر انتقادی پیرامون خویش هستند که باهدف ایجاد فهم عمیق از خود همچون سؤال از رفتارها، افکار، احساسات و انگیزه‌های خویش انجام می‌شود (چن و دیگران، ۲۰۱۴؛ هو و دیگران، ۲۰۱۶؛ کالوزنا-وایلوبوب، ۲۰۱۴؛ کوئینگ و گلاک، ۲۰۱۳؛ استرنبرگ، ۱۹۸۵). نتایج مطالعه قره داغی (۱۴۰۱)، گروسمن (۲۰۱۷) و سماواتیان و همکاران (۱۴۰۰) نیز تأیید می‌کند با توانمندی ایگو، فرد خردمندانه عمل کرده و از مکانیسم‌های دفاعی پخته‌تر استفاده می‌کند که همان عملکرد همراه با کیاست است.

در حوزه برون فردی، با چهار طبقه رویدادها، اشیاء و مفاهیم و دیگران روبه‌رو هستیم که حوزه ارتباط با دیگران خود نیز به دو بخش مقاصد درونی و کلامی تقسیم می‌شود. انسان خردمند در مواجهه با اشیاء و مفاهیم، سعی در ادراک معانی و لایه‌های سطح پنهان دارد؛ از این رو، ابتدا معانی و لایه‌های سطح پنهان یک مفهوم را در نظر می‌گیرد، سپس آن را با سطوح آشکار و دیگر احتمالات موجود مقایسه و نسبت به آن‌ها تأمل می‌کند، در نهایت نتیجه این تفکر و موشکافی دستیابی به لایه‌های سطح پنهان از معانی است (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ص ۱۴۱). پس از شناخت لایه‌های سطح پنهان، همانند آنچه در مدل کلی فرآیندی خرد گذشت، اگر فهم حاصل شده در راستای اهداف پایدار و متعالی باشد، در عمل نیز خود را به آن ملتزم می‌کند، اما اگر ادراک وی معارض با اهداف متعالی باشد، انگیزش‌های مهار کننده او را از آن ادراک بازداشته و وی را به سمت ادراک معانی و مفاهیم متعالی و پایدار جهت‌دهی می‌کنند. ککس^۱ (۱۹۸۳) معتقد است افراد خردمند الزاماً واقعیات بیشتری نسبت به دیگر مردم نمی‌دانند، بلکه فهم آنان از واقعیات شناخته شده عمیق‌تر است. آن‌ها سعی می‌کنند آنچه را برای دیگران شناخته شده است در معانی عمیق‌تری درک کنند (کردنوقابی، ۱۳۹۵، ص ۳۰). خردمندان مشتاق هستند مسائل پیچیده را بفهمند و آن‌ها را به شکل عمیق‌تری درک کنند. با موضوعات به شکل سطح برخورد نمی‌کنند. سعی دارند معناهای پنهان و لایه به لایه پدیده‌ها را درک کنند. هنگام تصمیم‌گیری و یا قضاوت در مورد موضوعی ترجیح می‌دهند اطلاعات کافی به دست آورند و از قضاوت‌های عجولانه و ناپخته پرهیز می‌کنند (همان، ص ۳۳). استاودینگر و گلاک (۲۰۱۱) نیز معتقدند افراد خردمند به‌جای قضاوت سریع و تصمیمات هیجانی، ترجیح می‌دهند ابتدا درباره مردم، دنیا و خودشان عمیق فکر کنند (کردنوقابی، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

در مواجهه با دیگران و حوزه تعامل با افراد، انسان خردمند نسبت به مقاصد درونی آن‌ها، ابتدا نشانه‌ها و شواهد ظاهری را گردآوری و پس از آن، پردازش ذهنی میان نشانه‌ها و

1. Kekes, J.

شواهد صورت می‌گیرد که به تشخیص مقاصد درونی و درنهایت به شناخت (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۳۵۰). منجر می‌گردد. در این هنگام، مقاصد باطنی شناخته‌شده در مورد دیگران اگر با اهداف متعالی و پایدار تطبیق کند، خویش را در عمل به آن ملتزم می‌کند و الا نفس خویش را از آن شناخت بازمی‌دارد و به سمت امور متعالی، پایدار و نیکی‌ها جهت‌دهی می‌کند که به این فرآیند فراست گوئیم. دانش حاصل از تجربه و عبرت‌گیری از حوادث گذشته خویش یا دیگران یکی از مؤلفه‌های اساسی خرد در نظریات روان‌شناسی خرد است. برای نمونه، مطابق نظریه براون (۲۰۰۲؛ ۲۰۰۴) طبقه هسته‌ای رشد خرد، «یادگیری از زندگی» است. فرآیند هسته‌ای «یادگیری از زندگی» متشکل از بازبینی، یکپارچگی و به کارگیری است و شرایطی که رشد خرد را از طریق تحریک مستقیم یا غیرمستقیم فرآیند یادگیری از زندگی، تسهیل می‌کند شامل ۱. تمایل به یادگیری؛ ۲. تجربه؛ ۳. تعامل با دیگران؛ و ۴. محیط است (براون و گرین، ۲۰۰۶، ص ۶). همچنین، براون با ذکر دانش زندگی، مهارت‌های زندگی و تمایل به یادگیری به عنوان سه مؤلفه اساسی خرد بر نقش تجارب و عبرت‌آموزی در خرد تأکید کرده است. وبستر (۲۰۰۷، ص ۱۶۴) نیز خرد را به عنوان داشتن توانایی، اراده لازم و کاربرد تجارب مهم زندگی به منظور تسهیل رشد بهینه خود و دیگران، تعریف کرده است.

انسان خردمند در حوزه تعامل و ارتباط کلامی با دیگران، ابتدا سریع (ازدی، ۱۳۸۷، ج ۳: ص ۱۰۰۵) و کامل (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹: ص ۴۳۰) مقصود آنان را درک کرده (همان، ج ۱۸: ص ۴۳۴)، سپس ظاهر سخن وی را با اطلاعات قبلی و حقایق زیرین آن مقایسه و پس از پردازش در کمترین زمان و به صورت کامل مقصود وی را تشخیص می‌دهد. در این هنگام شناخت حاصل شده، وی را از دیگر مقاصد مهار کرده و در عمل او را ملتزم به مقصود حاصل شده می‌کند. این فرآیند قدر جامع دو مفهوم فطانت و ذکاوت است، با این تفاوت که ذکاوت علاوه بر ادراک سریع (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴: ص ۲۸۷) به معنای فهم تام و کامل است (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۱۰: ص ۱۸۴؛ فیومی، ۱۴۱۴: ص ۲۰۹)؛ که به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین مفهوم به آن «تیزفهمی» باشد. استرنبرگ (۱۹۸۵، ص ۶۰۸)

زیرکی و هوشمندی و شهود و بیش را دو مؤلفه نظریه‌های ضمنی خویش از خرد دانسته است. «فهم دیگران» به عنوان یکی از ۶ مؤلفه نظریه خرد بروان نیز به حوزه‌های کنش‌وری خرد اشاره دارد. فهم دیگران به معنای درک عمیق دیگران در زمینه‌های متفاوت در سطوح فردی، گروهی و سیستمی است. این ویژگی بنیاد مؤلفه‌های خردمندی در ارتباط با دیگران، از جمله توانایی درگیر شدن و مشارکت با آنان، ظرفیت همدلی، تمایل واقعی برای یادگرفتن از آن‌ها و اشتیاق برای کمک به آنان است. «فهم دیگران» دانستن این نکته است که چگونه با دیگران ارتباط اثربخش برقرار کنیم و از این توانایی برای اهداف مثبت و سازنده بهره‌مند شویم (براون، ۲۰۰۲، ص ۳۰).

در پایان، فرد خردمند در مواجهه با مسائل و رویدادها سعی در درک حقایق باطنی و قدم گذاشتن در مسیر روشنی دارد که از افتادن در پرتگاه در امان باشد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۱۵۵)؛ از این رو، در مواجهه با رویدادها و مسائل سخت و پیچیده زندگی، ابتدا نسبت به تمام جوانب و مسائل اطراف آگاهی یافته و اطلاعات لازم در این زمینه را کسب می‌کند. در گام بعدی، پس از به کارگیری قوه فکر، عبرت‌آموزی از حوادث گذشته خویش و همکاران و مقایسه رویدادها و مسائل فعلی با گذشته (همان)، نهایتاً مسیر برای وی روشن گشته و به بینش دست می‌یابد که به آسانی برای سایر افراد قابل دستیابی نیست. بینش از نشانه‌های کمال عقل (صدوق، ۱۳۶۲: ص ۱۰۲) و عقل زمینه‌ساز ادراک حقایق و نهان امور است (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ص ۲۱۵). بر این اساس، بینش عبارت است از ادراک حقیقت و باطن رویدادها که در اثر تفکر حاصل می‌شود. حال اگر ادراک حاصل شده، با اهداف متعالی و پایدار وی همسو باشد، خویش را در عمل به آن ملتزم می‌کند، اما در صورتی که با اهداف وی متعارض باشد، انگیزش‌های مهارکننده در نفس وی فعال شده و در نتیجه، نفس خویش را از آن شناخت بازداشته و به سمت امور متعالی جهت‌دهی می‌کند. کیم^۱ (۲۰۲۳) نیز معتقد است زمانی که انسان بصیرت داشته باشد می‌تواند پدیده یا اشیا را از زوایای جدید بنگرد و بر اساس دانش، بصیرت منجر به خرد و

1. Kim, J.

مجدداً بصیرت مبتنی بر دانش گسترش یافته و به خرد عمیق‌تر می‌گراید. حال با توجه به مؤلفه‌های مفهومی و مدل فرآیندی می‌توان خرد را این‌گونه تعریف کرد: «آگاهی، فهم، تشخیص و پردازش ذهنی حقایق معطوف به سعادت، به منظور ادراک امور و معانی آشکار و پنهان در حوزه‌های کنش‌وری درون‌فردی و بیرون‌فردی که در مقام نفس به شناخت به‌واقع و مهار و در مقام عمل منجر به اتقان می‌شود».

اگرچه در میان مطالعات روان‌شناسی اسلامی به موضوع خرد با رویکرد اسلامی پرداخته نشده و مدل فرآیندی نیز در این زمینه اتفاق نیفتاده است، با این حال محقق به چندین پژوهش در مورد مفاهیم سطح اول ناظر به خرد دست یافته است. در یکی از این پژوهش‌ها، بیرانوند و نوقابی (۱۳۹۴: ص ۵) صرفاً به استخراج چند ویژگی افراد خردمند بر اساس روایات محدود اکتفا کرده و مدل فرآیندی از خرد ارائه نکرده است. در پژوهش دیگر، میردریکوندی (۱۳۹۵: ص ۲۱۷) به بررسی ویژگی‌ها و شاخص‌های مربوط به مفهوم عقل بر اساس منابع اسلامی پرداخته است. وی به ۷ شاخص در این رابطه دست یافته است، اما مدل فرآیندی ارائه نکرده است. الحدابی و خیاطی^۱ (۲۰۲۲) نیز بر اساس متون فلسفی، دینی و روان‌شناختی و از طریق روش توصیفی-تحلیلی برای خرد سه عنصر محوری شامل مبانی اخلاقی، فراشناخت و تعادل ترسیم کرده است. در نظریه‌های صریح روان‌شناسی خرد نیز می‌توان پارادایم خرد برلین (بالتز و اسمیت، ۱۹۹۰: ص ۹۵)، نظریه توازن خرد استرنبرگ (استرنبرگ، ۲۰۰۱: ص ۲۳۰)، نظریه سه‌بعدی آردلت (آردلت، ۲۰۰۸: ص. ۹۸)، الگوی خرد وبستر (۲۰۰۷: ص ۱۶۴)، مفهوم‌سازی خرد تحت عنوان «مدل تعالی-خود» لوینسون^۲ و همکاران (لوینسون و آلدوین^۳، ۲۰۱۳؛ لوینسون و همکاران، ۲۰۰۵)، مدل صریح یانگ (۲۰۰۸: ص ۶۵) و مدل رشد خرد براون (براون، ۲۰۰۲: ص ۳۰) را نام برد که به نظر می‌رسد پارادایم خرد برلین نزدیک‌ترین مدل، به پژوهش حاضر است. بر اساس این دیدگاه، خرد یک نظام دانش تخصصی درباره مسائل بنیادین زندگی است که

1. Al-Hidabi, D.& Khiati, M.

2. Levenson M.R.

3. Aldwin C.M.

امکان بینش استثنایی، قضاوت و نظر در مورد موضوعات پیچیده و نامشخص شرایط انسانی را فراهم می‌کند (بالتز و استادینگر ۱۹۹۳: ص ۷۶؛ بالتز و استادینگر، ۲۰۰۰: ص ۱۲۲).

بنابراین، مطابق این دیدگاه نیز خرد نوعی دانش و قضاوت در مورد مسائل بنیادین زندگی است. همچنین، پارادایم برلین متعلق شناخت را مسائل بنیادین زندگی دانسته که در مدل پژوهش حاضر مسائل بنیادین زندگی به دو حوزه کنش‌وری درون‌فردی و برون‌فردی تقسیم شده و شاخه‌های هر کدام تبیین شده است. از سوی دیگر، این رویکرد صرفاً بر جنبه شناختی خرد تأکید داشته و خرد را مجموعه‌ای پیچیده و گسترده از مهارت‌ها و دانش مرتبط با خرد می‌داند که معمولاً از طریق تجربه و عمل به دست می‌آید، در حالی که مهارت شناختی و اتقان در عمل در آن دیده نمی‌شود؛ مؤلفه‌ای که در چندین مفهوم سطح اول ناظر به خرد از جمله عقل و حکمت بسیار تأکید شده است. مؤلفه مهارت در مدل خرد اسلامی دارای دو کارکرد بازداری و واداری دانش و شناخت است، در حالی که در پارادایم برلین، مؤلفه یا فرآیندی که این شناخت را بازداری یا جهت‌دهی کند یافت نمی‌شود. از سوی دیگر، مدل پیشنهادی خرد اسلامی ارائه شده در پژوهش حاضر از آن جهت که برگرفته از مفاهیم و مستندات دینی است، واجد یک نگاه توحیدی است؛ به این صورت که شناخت و مهارت از جانب خداوند به انسان افایده می‌شود در راستای اهداف متعالی و پایدار خواهد بود.

نتیجه آن که خرد اسلامی برخلاف رویکردهای روان‌شناختی صرفاً بر بعد شناختی و دانش تأکید نمی‌کند، بلکه اولاً این شناخت حاصل از آگاهی، پردازش و تشخیص، توسط نیرویی درونی چون عقل مهار شده و در صورتی که با اهداف الهی هم‌سو نباشد، بازداری و به سمت امور پایدار و نیکی جهت‌دهی می‌شود. ثانیاً مطلق شناخت و دانش خرد نیست، بلکه دانشی که در راستای اهداف متعالی و در نتیجه کمال انسان قرار گرفته و در عمل به نیکوخواهی و نیکوکاری منجر شود. مطالعه سبحانی و همکاران (۱۴۰۲) پیرامون خرد در شاهنامه فردوسی تأیید می‌کند که خرد وسیله نجات و سعادت انسان در این دنیا و آخرت. در پایان، این دانش و مهارت در مسائل درون‌فردی، مسائل و رویدادهای پیچیده بیرونی،

مفاهیم و اشیاء و در حوزه ارتباط و تعامل با همکاران خود را نشان می‌دهد. اگرچه تلاش شد مستندات روایی در دو مرحله ضعف سند و ارتباط موضوعی با خرد غربال شوند، اما از محدودیت‌های مطالعه حاضر این است که سلسله اسناد روایات موردبررسی قرار نگرفت. علاوه بر این صرفاً به منابع روایی شیعی پرداخت و از کتب روایی اهل تسنن استفاده نکرد که پیشنهاد می‌شود برای توسعه و بازبینی این مدل از سایر منابع روایی، آثار اندیشمندان شیعی و حتی از سایر روش‌های تحلیل کیفی استفاده شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود الگوهای مفهومی و فرآیندی خرد بر اساس درک مردم از این مفهوم و افرادی که خردمند می‌پندارند، طراحی پرسشنامه خرد و پروتکل‌های آموزشی و درمانی خردورزی در تحقیقات آینده پیگیری شود.

ORCID

Ali Bayat

Hamid Rafii Honar

Mohammad Reza

Jahangirzadeh



<https://orcid.org/0000-0003-1111-0777>



<https://orcid.org/0000-0003-0614-3435>



<https://orcid.org/0000>

منابع

ابن شعبه الحرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). *تحف العقول: تحقیق علی اکبر الغفاری، الطبع الثانی، قم: الجامعه المدرسین.*

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب، الطبع الثالث، بیروت: دار صادر.*
ابوطالبی، مهدی (۱۳۸۹). «جایگاه عقل در فلسفه سیاسی و نقش آن در نظام سیاسی»، معرفت سیاسی، شماره ۴، ۱۴۰-۱۲۱.

ازدی، عبدالله بن محمد (۱۳۸۷ ش). *کتاب الماء، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران-موسسه مطالعات تاریخ پزشکی، طب اسلامی و مکمل، چاپ اول.*

ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ ق). *تهذیب اللغه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.*
اسعدی، سمانه (۱۳۹۱). «بررسی تحول تفکر انتزاعی و خردمندی از دوره نوجوانی تا سالمندی در شهر اصفهان»، رساله دکتری رشته روان شناسی، دانشگاه اصفهان: دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.

بداشتی، علی الله (۱۳۸۳). «انسان شناسی شناخت عقل در پرتو عقل و نقل»، پژوهش های فلسفی-کلامی، شماره ۱، ۴۲-۱۷.

برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ ق). *المحاسن، تحقیق جلال الدین محدث، الطبع الثانی، قم: دار الکتب الإسلامیه.*

برنجکار، رضا (۱۳۷۴). «ماهیت عقل و تعارض عقل و وحی» نقد و نظر، شماره ۳ و ۴، ۲۰۴-۱۸۴.
بیات، علی (۱۳۹۹). *تدوین مدل مفهومی خرد و فرآیند خردورزی بر اساس منابع اسلامی، پایان نامه ارشد رشته روان شناسی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره. ص ۲۸۶.*

بیات، علی؛ رفیعی هنر، حمید؛ و جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۴۰۱ الف). «مفهوم شناسی خرد در روان شناسی و تناظرشناسی مفاهیم آن در منابع اسلامی». *روان شناسی و دین*. ۱۵(۳)، ۴۶-۲۷.

بیات، علی؛ رفیعی هنر، حمید؛ و جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۴۰۱ ب). «تدوین مدل مفهومی خرد بر اساس منابع اسلامی: تحلیل داده بنیاد». *مطالعات اسلام و روان شناسی*. ۱۶(۳۱)، ۳۶-۷.

دلفان بیرانوند، آرزو؛ نوقایی، رسول (۱۳۹۴). «ویژگی های خردمندان در تفکر دینی در مقایسه با

- نظریه‌های روان‌شناسی خرد: یک مطالعه تطبیقی»، دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، دانشگاه تربت‌حیدریه، مشهد.
- پدرام‌نیا، سوده؛ یوسفی، زهرا (۱۳۹۷) «رابطه ابعاد خردمندی و راهبردهای مهار فکرمادران با علائم اختلالات رفتاری دختران»، فصلنامه سلامت کودک، ۵(۲)، ۱۴۱-۱۳۱.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۸). اخلاق پژوهی حدیثی، تهران: سمت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح مصطفی درایتی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۶). مؤلفه‌های خودنظم‌جویی اسلامی و برنامه زوج‌درمانی مبتنی بر خودنظم‌دهی با رویکرد اسلامی، رساله دکتری رشته روان‌شناسی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره. ص ۳۲۶.
- چراغی، فرشته؛ کدیور، پروین؛ عسگری، علی؛ فرزاد، ولی‌اله (۱۳۹۴). «مفهوم خرد بر پایه دو رویکرد نظری متفاوت: یک همبستگی بنیادی»، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۱۷(۳)، ۴۷-۵۴.
- خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ ق). کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمّه الإثنی عشر، تحقیق عبد اللطیف الحسینی الکوهمکری، قم: بیدار.
- خلج، فائزه؛ کریمی، فریبا؛ و شاهرودی، محمدرضا (۱۴۰۱). «الگوی خردورزی مدیران آموزش عالی در تفسیر المیزان». قرآن و علم، ۱۶(۳۱)، ۳۸۱-۳۵۴.
- دستا، مهدی؛ شگری، امید؛ پاکدامن، شهلا؛ و فتح‌آبادی، جلیل (۱۳۹۹). «مفهوم خرد در جامعه ایران». فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۳(۳)، ۶۲-۳۳.
- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ ق). إرشاد القلوب إلی الصواب (للدیلمی)، قم: الشریف الرضی.
- ذبیحی حصار، نرجس؛ چاجی، محمدرضا؛ مقدم، علی‌زارع (۱۳۹۶). «رابطه خردمندی با بهزیستی روان‌شناختی و سرزندگی تحصیلی در دانش‌آموزان»، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۳۵، ۲۱-۳۵.
- رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۷). الگوی درمانی خود-نظم‌جویی برای افسردگی بر اساس منابع اسلامی: تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمان و مطالعه امکان‌سنجی و نتایج اولیه آن، رساله دکتری رشته روان‌شناسی، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره. ص ۳۳۴.

تدوین مدل فرآیندی خرد بر اساس منابع اسلامی: نظریه داده بنیاد؛ بیات و همکاران | ۱۶۵

زیبیدی، محمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، ۲۰ جلد، بیروت: دار الفکر.
سبحانی، نارین؛ عباسی فر، حدیث؛ شفیعی، یاسمن؛ علی پور، فرزانه؛ فرخ بلاغی، فاطمه؛ جعفری
کلیر، فاطمه (۱۴۰۲). «جایگاه خرد و خردورزی در شاهنامه فردوسی». *دستاوردهای نوین*
در مطالعات اسلامی، ۶(۶۰)، ۲۵-۳۴.

سماواتیان، حسین؛ کلانتری، مهرداد؛ اصلی پور، عادل؛ عابدی، احمد (۱۴۰۰). *اثربخشی درمان*
شناختی رفتاری والد-کودک بر مشکلات رفتاری هیجانی کودکان سوگ. فرهنگ
مشاوره و روان درمانی، ۱۲(۴۷)، ۴۷-۹۶.

شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸). *درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی*، قم:
دارالحديث.

شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج البلاغه (للصیحی صالح): تحقیق و تصحیح فیض*
الاسلام، قم: هجرت.

شوقی، بهزاد؛ رباط میلی، سمیه؛ نصراللهی، بیتا (۱۴۰۱). «اثربخشی آموزش خرد بر سرمایه
روانشناختی و سلامت معنوی دانش آموزان دوره دوم مقطع متوسطه شهر تهران».
روان‌شناسی تربیتی، ۱۸(۶۴)، ۲۲۱-۱۹۹.

صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۶۲). *الخصال*، تحقیق علی اکبر الغفاری، قم: جامعه
المدرسين.

_____، (۱۴۰۳ ق). *معانی الأخبار: تحقیق علی اکبر*
الغفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طباطبایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۰). *منطق فهم حدیث*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی
امام خمینی (ره).

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ ق). *الأمالی (للطوسی)*، قم: دار الثقافة.

عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ ق). *الفروق فی اللغة*، بیروت: دار الافاق الجديدة.

فتحی آشتیانی، علی؛ محمدی، بهاره؛ و فتحی آشتیانی، مینا (۱۳۹۵). *آزمون‌های روان‌شناختی*، جلد
۲، تهران: بعثت.

فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ق). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، الطبعة الثانية،
قم: موسسه دار الهجرة.

قره داغی، علی (۱۴۰۱). مدلسازی معادله ساختاری تعیین گره‌های خردمندی بر اساس ادراک از والدگری پدر با نقش میانجی قدرت ایگو در دانشجویان. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۳(۴۹)، ۱۹۳-۲۱۸.

قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). *تفسیر القمی: تحقیق طیب موسوی جزائری، الطبع الثالث، قم: دار الکتب*.

کردنوقایی، رسول (۱۳۹۵)، *روان‌شناسی خرد*، تهران: ارجمند.

کردنوقایی، رسول؛ دلفان بیرانوند، آرزو (۱۳۹۵). «نظریه‌های ضمنی خرد در ایران: بررسی پدیدارشناسی»، *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ۲(۳)، ۷۸-۱۰۵.

کردنوقایی، رسول؛ آسوده، مریم (۱۴۰۱). «تأثیر آموزش خرد بر استرس شغلی معلمان». *نظریه و عمل در تربیت معلمان*، ۸(۱۴)، ۲۵۴-۲۷۰.

کردنوقایی، رسول؛ دلفان بیرانوند، آرزو؛ عربلو، زینب (۱۳۹۴). «دیدگاه سالمندان در مورد خرد و مؤلفه‌های آن: روان‌شناسی خرد»، *مجله روان‌شناسی پیری*، ۱(۳)، ۱۶۷-۱۵۷.

کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). *الکافی: تصحیح علی اکبر الغفاری و محمد الآخوندی، الطبع الرابع، تهران: دار الکتب الاسلامیه*.

مالکی، فاطمه؛ عابدی، محمدرضا؛ دیاریان، محمدمسعود (۱۳۹۵). «پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی بر مبنای خرد و شادکامی در بین زنان شهر اصفهان»، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۲(۲/۱)، ۴۷-۵۴.

محمدپور، احمد (۱۳۹۸). *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*، چاپ دوم، قم: لوگوس.

ملک محمدی، حسین؛ هاشمی آذر پیل‌رود، ژانت؛ پزشک، شهلا؛ صرامی، غلامرضا (۱۳۹۳). «ارزیابی کیفی و کمی مفهوم خرد بر اساس تحلیل عاملی غیر خطی»، *فصلنامه افراد استثنایی*، ۴(۱۳)، ۸۲-۱۰۲.

ملک محمدی، حسین؛ رحمانی شمس، حسن؛ حشمت، قاسم؛ فرامرزی راد، بهروز (۱۳۹۶). «بررسی مفهوم خرد در بزرگسالان با استفاده از صفات شخصیتی»، *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۹(۳)، ۱۷۸-۱۷۲.

مهدی‌زاده، حسین (۱۳۸۲). «درآمدی بر معناشناسی عقل در تعبیر دینی»، *معرفت*، شماره ۷۴، ۳۸-

- میردریگوندی، رحیم (۱۳۹۵). *عقل دینی و هوش روان‌شناختی*، چاپ دوم، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره
- نرم افزار «جامع الاحادیث نسخه ۳/۵»، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نرم افزار «جامع التفاسیر ۲ (نور الانوار ۳)»، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نرم افزار «قاموس اللغة ۲»، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق.). *الغیبه (لنعمانی)*، تصحیح علی‌الکبر الغفاری، تهران: نشر صدوق.

References

- Aldwin C.M., Levenson M.R. (2019) The Practical Applications of Self-Transcendent Wisdom. In: Sternberg R., Nusbaum H., Glück J. (eds) *Applying Wisdom to Contemporary World Problems*. Palgrave Macmillan, Cham: 293-306.
- Al-Hidabi, D.& Khiati, M. (2022). Wisdom: Concept, Dimensions, Measurement. *The International Journal for Talent Development*, 12(23),91-118.
- Ardelt, M. (1997). Wisdom and Life Satisfaction in Old Age. *The journals of gerontology. Series B, Psychological sciences and social sciences*. 52.15-27.
- _____, (2000). Antecedents and effects of wisdom in old age: A longitudinal perspective on aging well. *Research on Aging*, 22, 360-394.
- _____, (2008). Being wise at any age. In S.J. Lopez (Ed.), *Positive psychology: Exploring the best in people. Volume 1: Discovering human strengths* (pp. 81-108).
- Arlin, P. K. (1990). Wisdom: The art of problem finding. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 230–242). New York: Cambridge University Press.
- Kramer, D. A. (1990). Conceptualizing wisdom: the primacy of affect-cognition relations. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 279–313). New York: Cambridge University Press.
- Kim, J (2023). A Conceptualization of Wisdom and Method of Wisdom Education. *Korean Association for Learner-Centered Curriculum and Instruction*, 23(11), 27-44
- Baltes P.B. & Smith, J. (1990). Towards a psychology of wisdom and its

- ontogenesis. In R.J. Sternberg (Ed.), *Wisdom – Its nature, origins, and development* (pp. 87-120). Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Baltes, P. B., & Smith, J. (2008). The fascination of wisdom: Its nature, ontogeny, and function. *Perspectives on Psychological Science*, 3(1), 56–64.
- Baltes, P. B., & Kunzmann, U. (2003). Wisdom. *The Psychologist*, (16), 131–132.
- Baltes, P. B., Gluck, J., & Kunzmann, U. (2002). Wisdom: Its structure and function in regulating successful life span development. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Handbook of positive psychology* (pp. 327–347). Oxford: Oxford University Press.
- Baltes, P.B. & Staudinger, U. M. U. (1993). The search for a psychology of wisdom. *Current Directions in Psychological Science*, 2(3), 75-80.
- _____, (2000). Wisdom: a metaheuristic (pragmatic) to orchestrate mind and virtue toward excellence. *American Psychological Association*; 55(1):122–36.
- Bangen, K.J., Meeks, T.W., & Jeste, D.V. (2013). Defining and assessing wisdom: a review of the literature. *The American journal of geriatric psychiatry: official journal of the American Association for Geriatric Psychiatry*, 21 (12), p: 1254-1266.
- Birren, J. E., & Fisher, L. M. (1990). Conceptualizing wisdom: the primacy of affect-cognition relations. In R. J. Sternberg (Ed.), *Wisdom: Its nature, origins, and development* (pp. 317–332). New York: Cambridge University Press.
- Birren, J., Svensson, C. (2005). Wisdom in History. In R. Sternberg & J. Jordan (Eds.), *A Handbook of Wisdom: Psychological Perspectives* (pp. 3-31). Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, S. C. (2002, Summer). A model for wisdom development and its place in career services. *Journal of College and Employers*, 29-36.
- Brown, S. C., & Greene, J. A. (2006). The wisdom development scale: Translating the conceptual to the concrete. *Journal of College Student Development*, 47, 1-19.
- DiGangi J.A, Jason L. A, Mendoza L, Miller SA, Contreras R. (2103). The relationship between wisdom and abstinence behaviors in women in recovery from substance abuse. *The American Journal of Drug and Alcohol Abuse*. 39(1):33-7.
- Erikson, E. H (1964). *Insight and responsibility. Lectures on the ethical implications of psychoanalytic insight*. New York, NY: Norton.
- Gilmore, A. (2014). "A Cultural Examination of Hardiness: Associations with Self-Esteem, Wisdom, Hope and Coping Efficacy". University Honors Program Theses.

- Grossmann, I., Dorfman, A., Oakes, H., Santos, H. C., Vohs, K. D., & Scholer, A. A. (2021). Training for wisdom: The distanced-self-reflection diary method. *Psychological Science*, 32(3), 381-394.
- Grossmann, I., Na, J., Varnum, M. E. W., Park, D. C., Kitayama, S., & Nisbett, R. E. (2010). Reasoning about social conflicts improves into old age. *PNAS Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, 107, 7246-7250.
- Grossmann, I. (2017). Wisdom in context. *Perspectives on Psychological Science*, 12(2), 233-257.
- Jeste, D.V.; Vahia, I. V. (2008). Comparison of the conceptualization of wisdom in ancient Indian literature with modern views: focus on the Bhagavad Gita. *Psychiatry*, 71(3), 197-209.
- Kurd Noqabi, R., & Asoodeh, M. (2021). The Effectiveness of Wisdom-TI rppi on EeL Taahrrsm ccc upooonll Burnout. *Iranian Journal of Learning & Memory*, 4(15), 15-28.
- Levenson, M. R., Jennings, P. A., Aldwin, C. M., & Shiraishi, R. W. (2005). Self-transcendence: Conceptualization and measurement. *International Journal of Aging and Human Development*, 60, 127-43.
- Lieberei, B. & Linden M. (2011) Wisdom psychotherapy. In: M. Linden & A. Maercker (Eds), *Embitterment*, 209-218.
- Linden, M., Baumann, K., Lieberei, B., Lorenz, C., & Rotter, M. (2011). Treatment of posttraumatic embitterment disorder with cognitive behavior therapy based on wisdom psychology and hedonia strategies. *Psychotherapy and Psychosomatics*, 80, 199-205.
- McLean, K. C., & Syed, M. (Eds.). (2015). *Oxford library of psychology. The Oxford handbook of identity development*. Oxford University Press.
- Oh, H., & Oh, J. H. (2020). A wisdom-based salesforce development model: the role of wisdom in salesforce training and well-being. *Journal of Personal Selling & Sales Management*, 41(1), 70-82.
- Perry, C.L. Komro, K.A. Jones, R.M. Karen, M. Carolyn, L. W. Leonard, J. (2002). The measurement of wisdom and its relationship to adolescent substance use and problem behaviors. *Journal of Child & Adolescent Substance Abuse*, 12(1), 45-63.
- Clayton, V.P. & Birren, J. E. (1980). The development of wisdom across the lifespan: a reexamination of an ancient topic. In: Baltes P.B. & Brim, O.G. (eds). *Life-span development and behavior*. New York: Academic,3, 103-135.
- Rani, G. S. & Banu, N. (2018). Relationship between Life-satisfaction and Wisdom of Retired Professionals. *International Journal of*

- Educational Science and Research (IJESR)*, 8(1), 19-24.
- Skerrett, K. (2016). We-ness and the Cultivation of Wisdom in Couple Therapy. *Family Process*, 55(1): 48-61.
- Staudinger, U. M., & Baltes, P. B. (1996). Interactive minds: A facilitative setting for wisdom-related performance? *Journal of Personality and Social Psychology*, 71, 746-762.
- Staudinger, U. M., Gluck, J. (2011); Psychological Wisdom Research: Commonalities and Differences in a Growing Field; *Annual Review of Psychology*; 62, 215-241.
- Sternberg, R. (1985). Implicit theories of intelligence, creativity, and wisdom. *Journal of Personality and Social Psychology*, 49(3), 607-627.
- _____, (2001). Why schools should teach for wisdom: the balance theory of wisdom in educational settings. *Educational Psychologist*, 36 (4), 227-245.
- _____, (2019). Race to Samarra: The Critical Importance of Wisdom in the World Today. In R. Sternberg & J. Gluck (Eds.), *The Cambridge Handbook of Wisdom* (Cambridge Handbooks in Psychology, 3-9). Cambridge: Cambridge University Press.
- Taylor, M., Bates, G., & Webster, J. D. (2011). Comparing the psychometric properties of two measures of wisdom: Predicting forgiveness and psychological well-being with the Self-Assessed Wisdom Scale (SAWS) and the Three-Dimensional Wisdom Scale (3D-WS). *Experimental Aging Research*, 37(2), 129-141.
- Thomas, M. L., Bangen, K. J., Palmer, B. W., Sirkin Martin, A., Avanzino, J. A., Depp, C. A., et al. (2017). A new scale for assessing wisdom based on common domains and a neurobiological model: The San Diego Wisdom Scale (SDWISE). *Journal of Psychiatric Research*. (1-23).
- Webster, J. D. (2003). An exploratory analysis of a self-assessed wisdom scale. *Journal of Adult Development*, 10(1), 13-22.
- _____, (2007). Measuring the character strength of wisdom. *International Journal of Aging & Human Development*, 65(2), 163-83.
- Yang, S.Y. (2001). Conceptions of Wisdom among Taiwanese Chinese. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32(6), 662-680.
- _____, (2008). A process view of wisdom. *Journal of Adult Development*, 15, 62-75.
- _____, (2014). Wisdom and learning from important and meaningful life experiences. *Journal of Adult Development*, 21, 129-146.
- Zacher, H., & Staudinger, U. M. (2018). Wisdom and well-being. In E. Diener, S. Oishi, & L. Tay (Eds.), *Handbook of well-being*. Salt Lake

City, UT: DEF Publishers.

Zhang, K., Shi, J., Wang, F., & Ferrari, M. (2023). Wisdom: Meaning, structure, types, arguments, and future concerns. *Current Psychology*, 42(18), 15030-15051.

استناد به این مقاله: بیات، علی، رفیعی هنر، حمید، جهانگیرزاده، محمدرضا. (۱۴۰۳). تدوین مدل فرآیندی خرد بر اساس منابع اسلامی: نظریه داده بنیاد، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۵(۵۷)، ۱۳۷-۱۷۱. DOI: 10.22054/QCCPC.2023.68657.2969



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.